



حماسه کوبانی و قانون حقوق زن در جزیره

یک دستاورد مهم جنبش آزادی زن و سنگر مهم علیه جنبش اسلامی

صفحه ۲

آذر ماجدی



آزادی زن یک رکن اساسی آزادی جامعه است!

سخنرانی در کنفرانس سازمان آزادی زن

صفحه ۵

شهلا نوری



بررسی وضعیت زنان در افغانستان

سخنرانی در کنفرانس سازمان آزادی زن

صفحه ۶

سهیلا حیدری

اطلاعیه سازمان آزادی درباره:

برگزاری موفقیت آمیز کنفرانس بین
المللی "مصافهای جنبش آزادی زن
در خاورمیانه و شمال آفریقا"

در حاشیه تشیع جنازه موزیسین جوان،
مرتضی پاشایی "انقلابی" یا "رژیمی؟"

صفحه ۸

آذر ماجدی

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



حماسه کوبانی و قانون حقوق زن در جزیره

یک دستاورد مهم جنبش آزادی زن و سنگر مهم علیه جنبش اسلامی

آذر ماجدی

حقوق زن جنگیده است و در این شرایط فرصت را مناسب دیده که دستاوردهای حماسه کوبانی، نقش زنان در آن و برابری طلبی و اثبات آن در عمل در یک شرایط خطیر را در یک قانون بنفع حقوق زن به ثبت برساند. تصویب این قانون را باید قدر شناخت. قطعاً از تصویب یک قانون تا پیاده شده آن فاصله است. لذا باید هشیارانه وقایع را دنبال کرد تا این قانون به یک کاغذ پاره بدل نشود و بتواند در تغییر زندگی زنان این ناحیه موثر باشد.

جایگاه تاریخی سند

به این قانون، علاوه بر پیشروی آن از زاویه حقوق زنان، باید همچنین بعنوان یک سند اعلام جنگ و پیروزی علیه اسلام و اسلام سیاسی نیز نگریست. در شرایطی که اسلام سیاسی و جریانات اسلامیست با کمک مستقیم و غیر مستقیم غرب بجان مردم منطقه افتاده اند، از افغانستان، عراق، ایران، نیجریه، سودان، سومالی، مصر و تونس جریانات اسلامی خود را بسیج و مجهز کرده و می کنند تا به هر نوع آزادیخواهی، برابری طلبی، ترقی خواهی و مدنیتهی حمله ور شوند؛ حماسه کوبانی و قانون ویژه حقوق زنان در جزیره یک جایگاه والای تاریخی را اشغال می کنند. این سنگری است که علیه اسلام و اسلام سیاسی و تروریسم دولتی فتح شده است.

چرا تروریسم دولتی؟ مگر دولتهای غربی نمی گویند که از حقوق زن در منطقه دفاع می کنند؟ مگر از یاد برده ایم که در سال ۲۰۰۱، زمانی که آمریکا تصمیم به حمله به افغانستان گرفت، یکی از مسائلی که بر آن پای می فشرد، سرکوب زنان توسط طالبان بود؟ مگر نه اینکه همین غرب به

نمی شود، اما میزان آن بسیار بالا است. دو سه سال پیش بود که در شهر اورشلیم تحت فشار جریانات مذهبی، آپارتاید جنسی در بخشی از سیستم ترانسپورت عمومی پیاده شد.

با توجه به این شرایط باید از تصویب چنین قانونی در بخشی از این منطقه اسلامزده، هر چند کوچک، استقبال کرد و کوشید که آنرا به یک سنت پابرجا بدل نمود و گسترش داد. در حقیقت، کوچک بودن منطقه به نسبت کشورهای دیگر (جمعیت جزیره حدود ۸۰۰ هزار نفر است). تاکیدی مهم بر این واقعیت انقلابی است که در صورت سازمانیابی توده ای و حاکمیت یک سیاست و دیدگاه پیشرو یا برابری طلب می توان بر ارتجاع و عقب ماندگی چیره شد. کوبانی و اکنون جزیره یک نمونه مهم و غیرقابل چشم پوشی از این حقیقت انقلابی است.

باید افزود که تصویب چنین قانونی در جزیره ابتدا به ساکن نیست. جنگ قهرمانانه مردم کوبانی با داعش، این هیولای اسلامی، و شرکت وسیع زنان در آن بی تردید نقشی تعیین کننده در تصویب این قانون در کانتون جزیره داشته است. حال که چشمان دنیا، علیرغم تحریم رسانه ای بمدت یکماه، به کوبانی دوخته شده است؛ حال که مردم کوبانی این گرما و همبستگی جهانی مواجه شده اند؛ حال که حماسه کوبانی بر سر زبانها افتاده است و تمام انسانهای متمدن و آزادیخواه دنیا این زنان جوانی که برای حیات، آزادی و حرمت خویش می جنگند را این چنین تحسین می کنند؛ بی تردید این شرایط بر کل ناحیه تاثیر گذاشته و امکان پیشروی در عرصه اجتماعی را فراهم آورده است. قطعاً جنبش آزادی زن در این منطقه سالها است که برای

مجمع قانونگزاری خود مدیریتی کانتون جزیره در کردستان سوریه "در بیست و هفتمین نشست سال ۲۰۱۴ خود اصول اساسی و قانون عمومی ویژه زنان را تصویب نمود." این قانون سپس توسط روسای مشترک رهبری کانتون جزیره، هدیه علی یوسف و حمیدی دهام العاسی در تاریخ ۱۰ نوامبر ۲۰۱۴ بامضا رسید. این قانون یک سند تاریخی و با اهمیت در جنبش حقوق زن، در تاریخ منطقه و بویژه در شرایط تاریخی کنونی محسوب می شود. از اینرو جا دارد که به مفاد آن و جایگاه سیاسی، اجتماعی و تاریخی آن پرداخته شود.

اهمیت قانون عمومی ویژه زنان در جزیره

علیرغم برخی کمبودها، به جرئت می توان اعلام کرد که در شرایط حاضر این قانون پیشرفته ترین قانون مربوط به حقوق و موقعیت زن در منطقه است. در خاورمیانه و شمال آفریقای اسلامزده، قوانین و سنن حاکم متأثر از قوانین اسلام است. در برخی کشورها شدیدترین شکل قانون شریعه پیاده می شود، و در برخی کشورهای دیگر اشکال ملایمتری از قوانین اسلامی. بطور نمونه در کشور ترکیه که طبق قانون اساسی یک کشور سکولار است، کماکان قوانین علیه زنان تبعیض می گذارند و طی دهه اخیر دولت اسلامی اردوغان جنبه های سکولاریستی قوانین را کاهش و دخالت اسلام در زندگی مردم، بویژه زنان را افزایش داده است. خشونت علیه زنان در ترکیه ابعاد بسیار هولناکی دارد. اسرائیل نیز که بعضاً قوانین سکولاری در آن بتصویب رسیده است، یک دولت سکولار نیست، یک دولت یهودی است و بطور روزافزونی نقش خاخام ها، نهادهای مذهبی در جامعه بیشتر و محدودیت علیه زنان افزایش یافته است. خشونت علیه زنان و دختر بچه ها در اسرائیل تابویی است که از آن سخن گفته

حدود ۲۰۰ دختر بچه را دزدیدند. خانواده های دردمند این دختران برای آزادی آنها به تلاشهای مختلفی دست زدند، سر و صدای این جنایت برای مدتی در دنیا پیچید و باید گفت که بزودی بفراموشی سپرده شد؛ دولت در این زمینه کاری نکرد. چند روز پیش بوکو حرام به یک مدرسه دیگر حمله کرد و تعدادی کودک را کشت و مجروح کرد. اما این بار مردم مسلحانه با آنها جنگیدند و کودکان را از دست آنها آزاد کردند. آیا کوبانی و روستای نیجریه می توانند به یک مدل در منطقه بدل شوند؟ هنوز برای اعلام نظر قطعی زود است. لیکن می توان امیدوار بود.

کمبودها و نارسایی های سند

شادی و شمع از فتح این سنگر مهم نباید باعث شود که بر کمبودها و نارسایی های آن چشم فرو بسته شود. بویژه ما بعنوان یک جریان پیشرو و برابری طلب که بیش از بیست سال پیش پیشروترین مطالبات را برای زنان در برنامه یک دنیای بهتر نگاشته و منتشر کردیم، نمی توانیم به این نارسایی ها با چشم اغماض بنگریم. ممکن است گفته شود: "دیگر اینقدر مته به خشخاش نگذارید، در این اوضاع وانفسا، در این بربریت اسلامی سندی بتصویب رسیده است که برابری زن و مرد را برسمیت می شناسد، حال یکی دو بند آن دارای اشکال است، آنرا نباید بزرگ کرد." چنین مواضعی اهمیت پایبندی به اصول و پافشاری بر برابری کامل و واقعی و خط بطلان کشیدن به هر گونه عقب ماندگی را درک نمی کنند. اگر به کم راضی شویم، هرگز نخواهیم توانست به آزادی و برابری کاملی که آرمان و هدفمان را می سازد دست یابیم.

برخی مواد ناروشن است؛ برخی به پراتیک اداره خود مدیریتی جزیره بستگی پیدا می کند. در این زمینه های باید با هشجاری شرایط را دنبال کرد. اما مشخصا دو بند است که دارای اشکال اساسی اند:

"زنان حق تشکیل سازمان سیاسی، مدنی، اقتصادی، فرهنگی، سازمان دفاع مشروع و دیگر تشکلات مربوط به خود را دارا می باشند

حماسه کوبانی و قانون حقوق زن در جزیره

یک دستاورد مهم جنبش آزادی زن و سنگر مهم علیه جنبش اسلامی ...

می شد، پس از سقوط شوروی بعنوان یک رکن مهم در پیاده کردن نظم نوین جهانی بوش- تاچر و تلاش برای تثبیت دولت آمریکا بعنوان یک قدر قدرت در جهان. لذا اعلام دفاع از حقوق زن، صرفا یک ارزش مصرف تبلیغاتی دارد و در زمان حمله نظامی یک بهانه موجه و شیک برای حمله نظامی. خیزش های انقلابی در منطقه آمریکا و موتلفینش را شوکه کرد. از همان ابتدا کوشیدند که رادیکالیزه شدن مبارزات مردم را سد کنند؛ زمانی که دریافتند دیکتاتورهای سابق کارایی خود را از دست داده اند، پشت جریانات اسلامی رفتند و با تمام قوا تلاش کردند که آنها از صندوق رای بیرون آورده شوند، تا برای دموکراسی اسلامی در منطقه صلوات بفرستند. حتی زمانی که به توضیح چرایی دادن جایزه نوبل به شیرین عبادی و اکنون به ملالی توجه کنید، به اولی بعنوان زنی که در دنیای "اسلامی" و در چهارچوب اسلام برای حقوق زنان مبارزه می کند، اشاره شد و به دومی برای اینکه صرفا خواهان برخورداری از حق آموزش برای دختران است. این تمهیدات برای سد مبارزه رادیکال و انقلابی و رادیکالیزه شدن جنبش های اجتماعی است.

از بحث دور نیافتیم. "قانون عمومی ویژه زنان" و حماسه کوبانی را باید بعنوان دو رکن از یک مبارزه و یک سنگر مهم علیه ارتجاع اسلامی در منطقه دید. از اینرو است که این قانون دارای اهمیت بسیار بالایی است. اشاره به یک حادثه در ظاهر کوچک در گوشه دیگری از منطقه شاید بتواند نور روشنگرانه بیشتری بر این دو رویداد بیاندازد. پیش از حمله داعش به عراق، اسلامبست های موثف القاعده در نیجریه یک عملیات ضد بشری انجام دادند که دنیا را بهت زده کرد. جریان بوکو حرام به یک مدرسه دخترانه حمله کردند و

ملالی جويا و شیرین عبادی بخاطر "دفاعشان از حقوق زن" جایزه نوبل داده است؟

پاسخ به تمام سوالات بالا یک آری مشروط است. سیاستهای دولتهای غربی، یا تروریسم دولتی، را نباید در سطح ظاهر آن پذیرفت؛ باید در آنها عمیق شد و منافع عملی و بعضا پراگماتیستی این دولتها، بویژه آمریکا را در پس آن جستجو کرد. در غیر اینصورت باید به این نتیجه رسید که دولتهای غربی و در راس آن آمریکا خواهان برابری زن و مرد هستند و برای دستیابی به آن در منطقه تلاش می کنند. اگر به این نتیجه برسیم، آنگاه شاهد تناقضات بسیار و روزمره در سیاستهای عملی دولتهای غربی خواهیم بود. از دهه هفتاد میلادی آمریکا و موتلفینش به قدرتیابی جریانات اسلامی کمک های شایان و تعیین کننده رسانده اند و در موارد مهمی خود این جریانات را ساخته اند. از بسیج و کمک رسانی مالی، تسلیحاتی و سیاسی به مجاهدین در افغانستان پیش از انقلاب ۵۷ در ایران برای مقابله با شوروی، عروج بن لادن بعنوان یک رهبر اسلامی، فردی که مامور سازمان سیا بود، بگیرید، تا رهبر سازی از خمینی و جانفشانی در بقدرت رساندن اسلامی ها در ایران، ساختن سازمان حماس توسط دولت اسرائیل و موساد، تا کمک به اخوان المسلمین در مصر و النهضة در تونس، سازمان دادن و مسلح کردن جریانات داعش، الجهاد و النصره در سوریه، تعلیم و آموزش البغدادی توسط موساد و قس علیهذا پرونده درخشان آمریکا و موتلفینش در تعلیم، تسلیح، بسیج، سازماندهی و بقدرت رساندن اسلامی ها در منطقه است.

بدون آمریکا و غرب جریانات اسلامی نمی توانستند از چنین قدرت ویرانگرانه ای در منطقه برخوردار باشند. سپردن سرنوشت مردم بدست این نیروهای سیاه و جنایتکار یک رکن مهم سیاست غرب در منطقه است. پیش از سقوط شوروی، این سیاست بعنوان یک رکن مهم در پیشبرد جنگ سرد دنبال

نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسی!

اند، چنین عباراتی بدون شک و ابهام توضیح داده شود. ثانیاً، نفس تعیین مجازات برای برقرار کردن رابطه جنسی یک فرد متاهل با فرد دیگری بغیر از همسرش، خود یک اصل اخلاقی اسلام است. دولت، پلیس و دادگاه باید دستشان از رابطه جنسی شهروندان کوتاه شود. شهروندان به سن مجاز رسیده، چه زن و چه مرد، باید مجاز و محق باشند که با هر کس که خود اختیار می کنند، بدون هیچ زور و فشاری، رابطه جنسی برقرار کنند. این بند بیانگر عمق اخلاقیات عقب مانده اسلامی در قانونگذاران است. همین بند دست پلیس، دادگاه، دولت و خانواده را در زندگی خصوصی زن باز می گذارد و دخالت آنها را مشروع، صحیح و قانونی اعلام می کند.

خاتمه

یکبار دیگر باید بر اهمیت تاریخی، سیاسی و اجتماعی دو رویداد بهم پیوسته حماسه کوبانی و قانون حقوق زنان در جزیره تاکید کرد. این یک سنگر مهم برای جنبش آزادی زن و علیه اسلام سیاسی است. بکوشیم این سنگر را تحکیم کنیم و گسترش دهیم.*

حماسه کوبانی و قانون حقوق زن در جزیره

یک دستاورد مهم جنبش آزادی زن و سنگر مهم علیه جنبش اسلامی ...

زمانی که این تعهدات توضیح داده شده است، می توان این بند را مورد قضاوت قرار داد.

بند بعدی، در ظاهر پیشرو است. و در واقع نیز از قانون فعلی اسلامی پیشرو تر است. البته در قانون اسلام نیز اگر مردی با زنی بدون ازدواج رابطه جنسی بگیرد، مجازات سبک تر است و ضمناً هزار راه شرعی برای "مشروع" و حلال جلوه دادن رفتار مردان وجود دارد. لذا بند فوق فرق چندانی با اصل اسلامی کنونی ندارد. منظور از "مجازات شدید" چیست؟ سنگسار؟ حد شرعی؟ اعدام؟ زندان؟ اولاً، باید در منطقه ای که اسلام حکم می راند و در کشورهای با قانون اسلامی سنگسار را بعنوان مجازات رابطه جنسی خارج ازدواج معمول کرده

در صورتیکه با تعهدات اجتماعی منافات نداشته باشد." (خط تاکید از ماست.)

"مجازات شدید، بدون تفاوت جنسیتی، در مورد خیانت هر یک از همسران در نظر گرفته خواهد شد".

در بند اول عبارت مورد تاکید قرار گرفته بسیار تعبیر بردار است. منظور از "تعهدات اجتماعی" چیست؟ تا زمانیکه این عبارت به این صورت مبهم باز گذاشته شود، دولت و مقام اجرایی می تواند این "تعهدات اجتماعی" را بهر شکلی تعبیر کند و از فعالیت و سازمانیابی زنان جلوگیری بعمل آورد. عبارت آخر بند تمام آن بند را کم لیکون و بی خاصیت می سازد. باید یا این عبارت حذف شود و یا اینکه "تعهدات اجتماعی" بصورت روشن و بی ابهام توضیح داده شود. و در صورت دوم فقط

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت تهران

از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲

سیمبل ریت: ۱۱۱۳۷

KMTV

از سایت جدید

سازمان آزادی زن دیدن کنید!

www.azadizan.org

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.org

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه: آذر ماجدی، سیاوش دانشور

زنده باد مقاومت توده ای کوبانی!



آزادی زن یک رکن اساسی آزادی جامعه است!

سخنرانی در کنفرانس سازمان آزادی زن

شهلا نوری

منحط به بشریت تحمیل کرده اند، نه فقط آرمانخواهی و تحقق ایده های قدیمی را به حاشیه رانده است بلکه سطح توقع انسانها از خود و از جامعه را بشدت تنزل داده است.

تعرض دو قطب تروریسم دولتی آمریکا و متحدینش و تروریسم اسلامی سالهاست که دنیا را به معضلات جدیدی روبرو کرده است. تعرض اسلام سیاسی به دستاوردهای مدرنیسم و سهم خواهی آن از سرمایه داری جهانی با حملات تروریستهای اسلامی تحت نام داعش آخرین ورژن تعرض به زندگی زنان در خاومیانه است. بنا به همین دلایل مصافهای پیش روی جنبش آزادی زن در این مناطق بدون سازمانیابی علیه اسلام سیاسی و حکومتهای متبوع اسلامی آن ممکن نیست.

تا آنجا که به ایران بر می گردد سازمان آزادی زن امروز یک نقطه امید جنبش آزادی زن در ایران است. امروز که زنان بیش از هر زمانی در جنگ با رژیم اسلامی بعنوان مختلف تلاش میکنند، یک پتانسیل قوی انقلابی در جامعه وجود دارد که باید توسط یک سیاست انقلابی بسیج شود و بمیدان آید. این امر سازمان آزادی زن است. این سازمان میتواند و باید این افق را داشته باشد که پرچمدار آزادی زن در ایران و الگویی برای رهایی زنان در کشورهای منطقه باشد.

زنده باد آزادی زن!

کارگران و زحمتکشان جامعه جهانی تحمیل کرده اند. در این گونه کنفرانسها هرگز اشاره ای به مسائل بنیادی در رابطه با ستم کشی زن نمی شود فقط با ژستهای رفرمیستی و افکار سازی حول دکنترین نسبت فرهنگی، به دولتهای مذهبی پیام می دهند که با خاطر آسوده بخوابند و به زنان در کشورهای خودی پیام می دهند که قدر "دمکراسی" را بدانند.

همه جا صحبت از این است که ستم بر زنان با تاریخ بشر عجین بوده است. همه جا صحبت از این است که تبعیض و خشونت علیه زنان در همه جای جهان از اشکال مشابهی برخوردار است. اما در همین جلسات که با مبالغ میلیونی و سرسام آور برگزار می شود هرگز اشاره ای به جهانشمول بودن حقوق زن نمی شود. حقوق زن در کشورهای اسلام زده به فرهنگ ملی و مذهبی دولت حاکم بر جامعه حواله داد می شود. وضعیت دنیای امروز بگونه ای است که دیگر بحث از تبعیض براساس جنسیت و نابرابری اقتصادی حتی در کشورهای غربی هم به دلیل جامعه طبقاتی، حق مطلب را بیان نمیکند چه برسد به کشورهای تحت سلطه مستقیم مذاهب و از همه وحشی تر نوع اسلامی آن.

روزانه هزاران زن در افغانستان، پاکستان، عراق، سوریه، یمن، عربستان مورد سو استفاده جنسی، خشونت خانوادگی، قتل ناموسی، ازدواج اجباری، خرید و فروش و استثمار برده وار قرار می گیرند. دنیای امروز در جنگ و نفرت قومی و مذهبی و نسل کشی و زن ستیزی و کارگر کشی غرق شده است. عقبگردهائی که سرمایه و جنبش های ارتجاعی و ایدئولوژیهای

خانمها و آقایان، حضار محترم! با سلام و خوش آمدگویی. من به فارسی صحبت می کنم و ترجمه انگلیسی آنرا روی صفحه پشت سر ملاحظه می کنید .

کنفرانس امروز در آستانه روز جهانی منع خشونت علیه زنان برگزار میشود. تم کنفرانس امسال موقعیت زنان در شمال آفریقا و خاورمیانه است. با اینکه ستم بر زن مختص این منطقه نیست اما این منطقه از کره زمین به دلیل اتفاقات سالهای اخیر که به "بهار عربی" معروف شده و به پاییز غم انگیزی منجر شد، ویژگی خاصی دارد. همه شاهد بودیم که در متن مبارزات مردم و بخصوص زنان با دیکتاتوری و فقر و جنایات پلیسی دولتهای منطقه، اسلامی سیاسی دست بالا را پیدا کرد. اوضاع زنان از گذشته بدتر شد. اذیت و آزار زنان همراه با تجاوز جنسی، اسلحه ای شد در دست اسلام سیاسی و نیروهای امنیتی جهت ارباب زنان.

۳ سال از آن روزها گذشته است و ما شاهد بسیاری از کنفرانسهای جهانی بودیم که حتی ۱ ساعت از جلسات پر خرج خود را به موقعیت زنان این بخش از جهان اختصاص ندادند. همان ها که در اجلاسهای جهانی می نشینید و از حقوق زن حرف می زنند ساکت نشستند تا دولتهای غربی به رهبری آمریکا همراه با دولتهای جدید اسلامی و جنبش اسلام سیاسی با ایجاد جنگ داخلی شرایط زندگی کارگران و زنان را وخیم تر از گذشته کنند.

امسال هم روز ۲۵ نوامبر می آید و همین نهادهای بین المللی مجدداً خطابه های خالی از خاصیت اجرایی صادر می کنند و به خانه های خود برمیکردند. آنها نمایندگان دولتهایی هستند که این گونه فقر، اعتیاد، خشونت، فروش زنان و کودکان را به

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن!



بررسی وضعیت زنان در افغانستان

سخنرانی در کنفرانس سازمان آزادی زن

سهیلا حیدری

با سلام به شما حاضرین این مجلس و با تشکر از برگزارکنندگان این محفل که فرصتی را فراهم کرده اید تا به بررسی چالش هایی که در مقابل جنبش آزادی زن در خاورمانه و شمال آفریقا قرار گرفته است پرداخته شود. من به همه عزیزانی که تشریف آورده اند و برای رفع تبعیض و بی عدالتی و برای رفع خشونت تلاش و پیکار می کنند، خوش آمدید می گویم.

شدن زنان از منزل نیازمند کسب اجازه از شوهر است. اگر آنها موافق نباشند زنان نمی توانند در حوزه عمومی به کار و فعالیت های اجتماعی و سیاسی بپردازند.

مشکل بعدی امنیت است. زنان در همه نامنی های سیاسی و اجتماعی در قیاس با دیگر گروه های اجتماعی آسیب پذیرتر هستند. این مساله سبب می گردد تا مشارکت زنان در فعالیت های سیاسی و مدنی کاهش پیدا کند. حتی زنان از راه رفتن در خیابان ها به دلیل خیابان آزاری پرهیز می کنند و به راحتی حق اولیه قدم زدن در فضای باز از آنها گرفته می شود.

در این سال های اخیر زنان ما در افغانستان هر روز بیشتر از قبل، مورد خشونت قرار می گیرند و همچنان قربانیان اصلی خشونت و تبعیض اند. با یک نگاه اجمالی به آمار خشونت علیه زنان در افغانستان و تصاویری که از قربانیان این خشونت در سایت کمیسیون حقوق بشر افغانستان به نشر رسیده است، چنین به نظر می رسد، سالی که گذشت خشونت بارتترین سال برای زنان افغانستان بوده است. بدون تردید اشکال و ابعاد این خشونت اوج رفتار وحشیانه و جنایت جامعه مرد سالار افغانستان بر علیه زنان می باشد. البته این آمار و این تصاویر نمونه کوچکی از واقعیت های بسیار کلانی است که هر روز در افغانستان در اشکال مختلف تکرار می شود. هر تغییری در جوامعی مانند افغانستان باعث تهدید برای جامعه مرد سالار و شورای علمای افغانستان است. بنابراین هر نوع جنبشی نه تنها حمایت نمی شود که به شدت سرکوب می شود و یا اینکه به آن توجهی را که باید نمی شود.

نگاه مردان سیاست مدار:

جامعه افغانستان جزء جوامع مردسالار است. در عین حال این جامعه یک جامعه قبیله ای است. و تاکنون نیز امکان گذر از فرهنگ قبیله ممکن نشده است و این فرهنگ در لایه های گوناگون زندگی روزی خود را بازتولید کرده است. بنابراین نگاه مردان به زنان تحت تاثیر همین فرهنگ شکل گرفته است. زنان در جامعه قبیله ای پاشنه آشیل و یک تهدید است. در وضعیت امروز هم این نگاه در برخی از لایه های جامعه هم چنان وجود دارد. می توان نتیجه گرفت که حضور زنان در حوزه عمومی از عمق کمتری برخوردار است و به صورت یک امر متعارف پذیرفته نشده است. از دید فضای مرد سالارانه حاکم بر افغانستان هنوز هم حضور زنان در جامعه یک تابوست. در واقعیت امر ضمانت های این حضور نیروها و سازمان های بین المللی است. اما برغم این مشکلات و دشواری های که زنان برای حضور در حوزه عمومی با آن مواجه هستند و برغم فرصت های محدودی که در اختیار زنان قرار دارد، باز هم زنان در قیاس با گذشته توانسته اند وضعیت خود را بهبود ببخشند. در دانشگاه ها و

من با توجه به وجود گوناگونی مشکلات زنان و فعالیت هایشان در افغانستان به صورت کلی به بررسی وضعیت و مشکلات اساسی زنان در بخش های متفاوت می پردازم که دورنمای مناسبی را از وضعیت زنان در افغانستان بعد از روی کار آمدن آقای کرزای در سال ۲۰۰۱ از جنبه های مختلف آموزشی، حقوقی، سیاسی، مذهبی و ... به شما منتقل کند.

از لحاظ آموزشی، حقوقی و مشارکت سیاسی:

در حال حاضر وضعیت زنان افغانستان به لحاظ آموزشی، حقوقی و مشارکت سیاسی با سال های اولیه روی کار آمدن آقای کرزای تفاوت های زیاده کرده است. اگر وضعیت امروز را با زمان امارت اسلامی طالبان مقایسه کنیم، بیگمان تغییرات زیادی بوجود آمده است. اما این تغییرات در مقیاسی نیست که همه زنان را پوشش داده باشد. بزرگترین مشکلاتی که زنان با آن ها مواجه هستند مشکلات تاریخی و فرهنگی است. غلبه بر این مشکلات نیز مستلزم زمان زیاد و برنامه ریزی های دقیق است و مسلما این نوع مشکلات مانع گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان می شود.

از نظر قانونی و خصوصا قانون اساسی:

از نظر قانونی و خصوصا قانون اساسی مساله مشارکت زنان به عنوان یک امر مشروع به رسمیت شناخته شده است. می توان گفت که در این زمینه منع قانونی وجود ندارد. اما زمینه ها و بسترهای اجتماعی و فرهنگی تطبیق قانون با موانع جدی روبرو است. برای مثال در بسیاری از نقاط افغانستان بیرون

زیاد و پراکنده ای در این زمینه وجود دارد ولی بسیار بی هدف و پراکنده است. دولت افغانستان بی نهایت فاسد است. از چنین دولتی نمی توان انتظار زیادی داشت. این امر محدود به زنان نمی گردد. تمام حوزه های دیگر را هم در برمی گیرد.

رسانه های افغانستان و برنامه هایی در حمایت احقاق حقوق زنان:

یکی از مشکلات بسیار جدی که رسانه های ما با آن مواجه هستند این است که این رسانه ها به نوعی از فقر اندیشه و نگاه ریشه ای به مسایل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی رنج می برند. این یک مساله مهم است. رسانه ها تاکنون کمتر توانسته اند در طرح جدی مطالبات شهروندی گامهای تاثیر گذاری بردارند. برخی از رسانه ها شخصی هستند. برای رسانه های شخصی آنچه که در درجه اول اهمیت قرار دارد، تامین منافع و اهداف سیاسی اشخاص است نه گروه های اجتماعی مانند زنان و برای برخی دیگر از رسانه ها فعالیت های اقتصادی و تجاری در اولویت قرار دارد، بنابراین این دسته از رسانه ها کوشش می نمایند تا سیاست های نشراتی آنها با کمترین هزینه در برابر مشکلات اجتماعی خصوصا زنان همراه باشد.

این مشکلات سبب می گردد تا رسانه ها کمتر بتوانند به مسایل اساسی تر توجه نمایند. اما برغم این باز هم می توان گفت که رسانه ها نیز در تغییر نگاه زنان و کل جامعه به زندگی و زنان نقش خود را داشته اند و نه میتوان منکر شده که رسانه ها توانسته اند در مواردی مشکلات زندگی زنان را اطلاع رسانی نمایند.

و در آخر نگرانی من در مورد وضعیت زنان بعد خروج نیروهای بین المللی از افغانستان در سال ۲۰۱۴ بیشتر میشود. امکان یک سازش سیاسی دولت افغانستان و جامعه جهانی با گروه های مختلف شورشی و تندرو همچون طالبان، شبکه حقانی و حزب اسلامی، بیشتر دستاوردها در عرصه حقوق زنان را با خطر مواجه خواهد شد. من تا حدی زیادی با این نگرانی ها موافق هستم. تغییرات در جامعه افغانستان به یک نقطه برگشت ناپذیر نرسیده است. امکان برگشت به گذشته وجود دارد. و این نگرانی زمانی تشدید میشود که توجه کنیم که مخالفان تندرو نظام سیاسی کنونی، قانون اساسی را قبول ندارند. و به تغییر نظام سیاسی می اندیشند. این امر وضعیت زنان را در ابهام قرار می دهد.

نمونه بعدی مذكرات صلح است. در این زمینه نیز نگرانی وجود دارد که آزادی های زنان و حقوق اساسی و شهروندی آنها وجه المصلحه قرار داده نشود. هر چند با روی کار آمدن رئیس جمهور جدید اشرف غنی امیدواری های زیادی در زمینه وضعیت زنان در افغانستان وجود دارد.

اشرف غنی شروع خوبی در حکومتداری داشته است ولی ما هنوز مذاکرات صلح با طالبان و بقیه شبکه ها و احزاب مخالف دولت را پیش رو داریم که این خود نگران کننده است.

بررسی وضعیت زنان

در افغانستان

سخنرانی در کنفرانس سازمان آزادی زن ...

مکاتب به تحصیلات خود ادامه بدهند. اگرچه باز هم فرصت تحصیلات برای طیف وسیعی از زنان و دختران فراهم نیست. خصوصا در مناطقی که در آنها طالبان حضور قوی دارند.

در مورد همکاری مردان با زنان در فعالیت های سیاسی میتوان گفت که این نوع فعالیت ها وجود دارد؛ اما این همکاری های تا حدی زیادی غیر مؤثر است. پایه های این همکاریها هم برمیگردد به همان دید از بالا دیدن و مردسالارانه دیدن.

نگاه روحانیان و حمایت جامعه روحانیان از زنان:

در مورد روحانیان و چهره های مذهبی وضع تا حد زیادی فرق می کند. زیرا این گروه تمایلی به حضور زنان ندارند و تاکنون هم از نظر مذهبی با حضور زنان در حوزه عمومی مشکلات زیادی دارند. آخرین نمونه این نوع برخوردها را ما در زمینه رد شدن قانون منع خشونت علیه زنان شاهد بودیم. این قانون با واکنش شدید روحانیان و چهره های مذهبی مواجه شد و از تصویب باز ماند. بدترین مورد و خشونت آمیزترین برخورد شورای عالمان هم در زمینه تظاهرات بر علیه قانون احوال شخصیه اهل تشیع بود. تمام تصمیم های شورای عالمان به نوعی مخالف با حقوق زنان در افغانستان و مخالف قانونهای تصویب شده قبلی و بین المللی توسط دولت افغانستان است که همیشه مشکلات زیادی را برای فعالین زن در افغانستان به بار آورده است. قربانی این نوع تغییرات بیشتر زنان در معرض خشونت هستند. وجود زنان و دخترانی که به دلیل بد دادن از خانه فرار می کنند و توسط پدرانشان به زندان انداخته می شوند نمونه بارز و عینی این نوع مشکلات هستند. در افغانستان دانش و معرفت دینی بسیار در سطح پایین قرار دارد. تحجر اسلامی چه شیعی و چه سنی در افغانستان از این نظر با هیچ یک از کشورهای اسلامی قابل قیاس نیست. در این جامعه عرف و سنت های اجتماعی از آموزه های دینی به سختی قابل تفکیک است.

همکاری ها و امکانات دولت افغانستان با فعالین زن:

رفتار دولت افغانستان با فعالین زن تا حد زیادی فرصت طلبانه و غیر استراتژیک است. دولت در این حوزه سیاست گذاری های بسیار روشنی ندارد و بیشتر به منظور همراهی با جامعه جهانی و جلب حمایت های مالی و سیاسی آنها اقداماتی را انجام می دهد. مهم ترین محمل قانونی برای زنان قانون اساسی افغانستان است. اما دولت به دلیل فساد گسترده و ناکارآمدی زیاد نمیتواند از این ظرفیت های قانونی برای ارتقاء منزلت زنان و بهبودی زندگی آنها گام های عملی و مشخصی را بردارد. پروژه های

آزادی زن را بدست دوستانتان برسانید!

ربطی به کمونیسم و مارکسیسم ندارد. تشیع جنازه مرتضی پاشایی یک عمل انقلابی نیست. قطعا بیانگر تمایلات ضد اسلامی و ضد حکومت اسلامی مردم هست، اما آنرا تا حد یک حرکت انقلابی ارتقاء دادن، عمل دلخوش کننده جریانی است که هر تقلایی را نوید انقلاب موعودش بحساب می آورد. از سوی دیگر با پوپولیسم نوع دیگری روبرو بودیم که همواره خود را در مقام معلم و مبصر مردم قرار میدهد و هر نوع ابراز احساساتی که یک پدیده عادی در یک جامعه مدرن است را نشانه "بی خیالی"، "سطحی بودن" و بقول قدیم "چوخ بختیاری" بودن مردم یا متوهم بودن آنها به رژیم و افتادنشان بدنبال جریانات حکومتی می داند. به مردم سرکوفت می زند و برای جریان مقابلش "ابراز تاسف" می کند.

مردم حق دارند زندگی کنند؛ حق دارند احساسات خویش را برای موزیسین ها، هنرمندان یا ورزشکاران مورد علاقه شان ابراز کنند؛ مردم مجبور نیستند همواره "سیاسی" باشند و دست به عمل سیاسی بزنند؛ مردم به مبصر و معلم نیاز ندارند. کار یک نیروی کمونیست، سازماندهی و رهبری مبارزات مردم است نه درس اخلاق دادن به مردم؛ اخلاقیاتی که بویژه در شرایط حاضر در جامعه و در میان جوانان هیچ جایی ندارد.

درعین حال باید توجه داشت که جامعه ایران بخاطر تضاد عمیقش با رژیم اسلامی حاکم بر آن، بویژه تضاد نسلی و وجود یک جنبش وسیع آزادی زن، ضد مذهبی و خلاصی فرهنگی، ذاتا ضد رژیم اسلامی است. رژیم اسلامی "یک وصله ناجور به بدنه این جامعه است." لذا حتی تشیع جنازه یک موزیسین به یک حرکت اعتراضی سیاسی بدل می شود. رژیم این پدیده را بسیار خوب می شناسد و از اینرو است که این چنین تند و شدید عکس العمل نشان می دهد و تمام نیروی خود را برای مقابله با آن بسیج می کند.

وقت آن رسیده که کمونیست ها نیز این واقعیت را برسمیت بشناسند.*

در حاشیه تشیع جنازه موزیسین جوان، مرتضی پاشایی "انقلابی" یا "رژیمی"؟

آذر ماجدی

این خاصیت رژیم اسلامی است که هر حرکت حتی عادی مردم، بویژه زنان و جوانان خصلتی سیاسی و ضد حکومتی بخود می گیرد. اینکه آیا جوانان تشیع کننده، نیت یک اعتراض سیاسی داشتند یا خیر، در نفس این حرکت تغییری نمی دهد. تحت رژیم که آرایش و لباس زنان سیاسی است، شلوار جین و چکمه و عینک آفتابی سیاسی است، عشق ورزیدن سیاسی است، موسیقی شنیدن و شاد بودن سیاسی است، ابراز علاقه به یک موزیسین و غم نسبت به مرگ او قطعا یک عمل سیاسی است. بعلاوه، مردم ایران اکنون بیش از دو دهه است که از هر فرصتی برای نشان دادن انزجار خود از این رژیم و اعتراض به آن استفاده می کنند. این عملا به بخشی از ذهنیت خودآگاه و ناخودآگاه آنها بدل شده است.

اما واکنش برخی نیروهای چپ به این تشیع جنازه قابل توجه بود. برخی این تشیع جنازه را به عرش اعلاء رساندند؛ جریانات پوپولیستی که مردم در خیابان را نشان انقلاب می دانند، فاکت ها را تغییر دادند و حقایق را وارونه کردند تا از مرتضی پاشایی یک چهره تقریبا انقلابی یا حداقل ضد رژیم بسازند. از آنسوی برخی دیگر به سیاق چپ سنتی که معمولا نقش مبصر مردم را بازی می کند، جوانان را تشر زدند که چرا علیه اسیدپاشی تظاهرات نکرده اند و برای یک خواننده تجمع کرده اند، جوانانی را که بخاطر علاقه شان جنازه مرتضی پاشایی را تشیع کرده اند، با لحنی معلم مابانه، سطحی خواندند. آنها نیز حقایق را چرخاندند و مرتضی پاشایی را مامور رژیم خواندند.

این دو برخورد دو روی یک سکه است و

تشیع جنازه مرتضی پاشایی، خواننده جوان پاپ، واکنش های مختلفی را از طرف برخی نیروهای اپوزیسیون چپ موجب شد. رسانه های فارسی زبان از بستری شدن این موزیسین جوان و حال وخیمش خبر دادند. جوانان بسیاری در مقابل بیمارستان بهمن تجمع کردند. پس از خبر فوت جوانان بسیاری در مقابل تالار وحدت، محل حمل جسد بسوی بهشت زهرا، تجمع کردند. تجمع آنچنان وسیع بود که نیروهای انتظامی رژیم کوشیدند محل را تغییر دهند. در بهشت زهرا نیز بعلت تجمع گسترده علاقمندان این خواننده پاپ جسد دوبار به محل شستشو برگردانده شد و بالاخره با تاخیر دفن شد.

ظاهرا رژیم اسلامی انتظار این واکنش مردم را نداشت و تلاش بسیاری نمود تا این روز را بی دردسر از سر بگذرانند. در تشیع جنازه، مردم ترانه مرتضی پاشایی را می خواندند. جوانان بسیاری در پارک لاله و چند پارک دیگر جمع شدند و با نواختن گیتار و خواندن دستجمعی ترانه های او، یادش را گرمی داشتند.

چنین واکنشی به مرگ یک موزیسین، تشیع جنازه همراه با موزیک و خواندن ترانه تحت یک رژیم اسلامی حتی اگر یک شعار ضد حکومتی در آن داده نشود، یک عمل ضد اسلامی و ضد حکومت اسلامی است. در مشهد ارازل و اوپاش انتظامی به جوانان حمله کردند؛ در تهران کوشیدند که مسیر تشیع جنازه را تغییر دهند؛ شمعی هایی که در دست جوانان می سوخت را زیر پا له کنند؛ اما بالاخره جسد مرتضی پاشایی در میان علاقمندان صدا و موزیکش به محل دفن رسید.

زنده باد مقاومت توده ای کوبانی!

اطلاعیه سازمان آزادی درباره:

برگزاری موفقیت آمیز کنفرانس بین المللی "مصافهای جنبش آزادی زن در خاورمیانه و شمال آفریقا"



شنبه ۱۵ نوامبر کنفرانس "مصافهای جنبش آزادی زن در خاورمیانه و شمال آفریقا" در شهر گوتنبرگ، سوئد برگزار شد. در این کنفرانس سخنرانان درباره شرایط زنان و جنبش آزادی زن و اوضاع وخیم سیاسی در منطقه، بویژه سوریه، عراق و افغانستان صحبت کردند. سخنرانان بر وخامت اوضاع بویژه در کشورهای اخیر اتفاق نظر داشتند. در رابطه با استراتژی مقابله با این شرایط و پایان دادن به شرایط جنگ، خونریزی، ویرانی و آوارگی مردم بحث و تبادل نظر شد. مقاومت مسلحانه مردم کوبانی در برابر داعش، نقش زنان در آن و برخورد دولتهای غربی، ترکیه و دولت اقلیم کردستان نیز از مسائل داغ مورد بحث بود. چگونگی برخورد فمینیسم به مقوله مسلح شدن و جنگیدن زنان در کوبانی یکی دیگر از مسائل بحث برانگیز در کنفرانس بود.

سپس یک اسلاید شو از شرایط منطقه، وضعیت وخیم و فلاکتناک مردم، حماسه کوبانی و جنبش همبستگی بین المللی با عنوان "امید و استیصال در خاورمیانه، کوبانی راه را نشان می دهد" به نمایش گذاشته شد. همچنین یک ویدیو کوتاه از کوبانی و مصاحبه با دو سه تن از زنان که مجبور به ترک کوبانی شده بودند به نمایش گذاشته شد. این ویدیو توسط رولا اسد که در ماه سپتامبر به کوبانی سفر کرده بود، تهیه شده بود. سپس سخنرانان در سه پانل سخنرانی کردند. پس از اتمام سخنرانی ها وقت به پرسش و پاسخ و اظهار نظر شرکت کنندگان رسید. مباحث به گرمی مورد توجه قرار گرفت. شرکت کنندگان در تنفس ها، در بخش اظهار نظر و پس از کنفرانس با حرارت درباره مباحث و مسائل طرح شده بحث می کردند.

در خاتمه نیز دو موزیسین جوان ترانه هایی از مبارزه و مقاومت اجرا کردند که با استقبال بسیار گرمی روبرو شد. عکس هایی از کنفرانس و ویدیوی برخی از سخنرانی ها بلافاصله در شبکه اجتماعی فیس بوک انتشار یافت. بقیه سخنرانی ها بتدریج در سایت سازمان آزادی زن قابل دسترسی خواهد بود. سازمان آزادی زن خواهد کوشید که کنفرانس های مشابه ای را در آینده سازمان دهد.

سازمان آزادی زن
۱۸ نوامبر ۲۰۱۴

برای دنبال کردن مباحث کنفرانس به سایت سازمان آزادی زن رجوع کنید:

www.azadizan.org

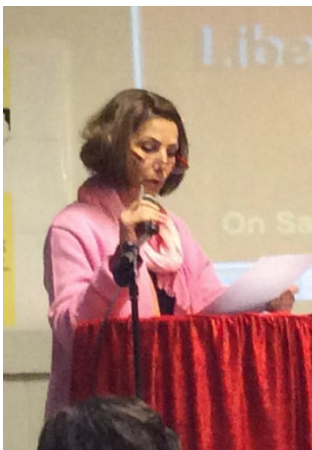
لینک ویدیوی سخنرانی آذر ماجدی تحت عنوان "دخالت بین المللی یا کوبانی، دو برخورد" در این سخنرانی آذر ماجدی به عمده مسائل مطروحه در کنفرانس می پردازد:

<https://www.youtube.com/watch?v=QMHO2yZUVEc>



در ابتدا شهلا نوری، لیلین هالس فرنچ و آذر ماجدی به شرکت کنندگان خوش آمد گفتند و درباره مشکلات سازمان دادن یک کنفرانس بین المللی با شرکت فعالین از منطقه صحبت کردند. اشاره شد که یکی از مشکلات مهم که موجب بتعویق افتادن کنفرانس شد، مساله دریافت ویزا برای فعالین منطقه به کشورهای اروپایی است. بر امر همبستگی بین المللی با جنبش مردم برای دستیابی به یک جامعه آزاد و عادلانه و جنبش آزادی زن در منطقه تاکید شد. برگزاری کنفرانسهای بین المللی بمنظور ایجاد نزدیکی، ابراز همبستگی و دخالت فعالتر در جنبش مردم و جنبش آزادی زن مورد تاکید قرار گرفت.

گزارش تصویری کنفرانس "مصافهای جنبش آزادی زن در خاورمیانه و شمال آفریقا"



گزارش تصویری کنفرانس "مصافهای جنبش آزادی زن در خاورمیانه و شمال آفریقا"



مبارزه با فحشاء

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سکس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای کانگستری، باج خورها و اوپاش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

از یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری حکمتیست



به سازمان آزادی زن پیوندید!